بحث مفعول به از کتاب مبادی العربیة

- تعریف مفعول به
  - آنچه که فعل فاعل بر آن واقع می شود
  - نکته\ منظور از وقوع فعل ، وقوع نسبت در عالم خارج است و شامل افعال منفی هم میشود
- انواع
  - مفعول به
    - مفرد
      - ضمیر
      - اسم ظاهر
        - اسم صریح
        - اسم مؤول
    - جمله
      - در باب قول
  - عامل مفعول به
    - اسم فعل
    - اسم فاعل
    - اسم مفعول
    - صیغه مبالغه
    - صفت مشبهه
    - مصدر
    - فعل تعجب
    - فعل متعدی
      - یک مفعولی
        - خیلی زیاده به اندازه موهای سرتون
      - دو مفعولی
        - دو مفعول در واقع مبتدا و خبر هستند
          - افعال قلوب شامل
            - دلالت بر رجحان دارند
              - ظنّ
              - خال
              - حَسِب
              - زعم
              - جعل
              - عدّ
              - حجا
              - هب
            - دلالت بر یقین دارند
              - رای
              - علم
              - وجد
              - ألفی
              - دری
              - تعلّم
        - دو مفعول در واقع مبتدا و خبر نیستند
          - خیلی زیادند مثل
            - کسا
            - رزق
            - أطعم
            - سقی
            - زوّد
            - أسکن
            - أعطی
      - سه مفعولی
        - أری
        - أعلم
        - حدّث
        - خبّر
        - أخبر
        - أنبأ
        - نبّأ
    - با توجه به گسترده شدن نمودار بحث از هر کدام از این ها در نمودار جدا خواهد آمد و فقط از فعل بحث میکنیم
- علت تسمیه این افعال
  - علت تسمیه به افعال قلوب این است که شک و یقین متعلق به قلب هستند
- تعریف افعال قلوب
  - افعالی هستند که
    - بعد از گرفتن فاعل
    - بر سر مبتدا و خبر می آیند
    - مبتدا و خبر را مفعول خود قرار می دهند
  - همه افعال قلوب متصرف هستند إلا هب و تعلّم
- احکام
  - مفعول
    - تاخیر مفعول از فاعل
      - اصل تأخیر مفعول است از فاعل است که در نمودار فاعل گذشت
    - حذف مفعول به
      - با هدف اثبات فعل برای فاعل فقط
        - در این صورت فعل متعدی به منزله لازم حساب شده و نباید هیچ مفعولی برای آن در تقدیر گرفت
      - با هدفهای دیگر
        - بدون قرینه
          - جایز نیست
        - با قرینه
          - وجوباً
            - موارد زیاد است
          - جوازاً
            - در باب تنازع
        - علل حذف در کتب علم بیان ذکر شده مثل
          - معروف بودن مفعول
          - اختصار گویی
    - دخول لام تقویت بر سر مفعول به
      - تعریف افعال قلوب
        - لامی که برای تقویت عمل عاملی که ضعیف شده می آید به دلیل
          - مؤخر شدن عامل از مفعول به
          - فرعیت در عمل
        - نکته مهم\ این لام متعلق نمی خواهد
  - فعل یک مفعولی
    - حذف عامل مفعول به
      - سماعاً
        - اهلاً و سهلاً
      - قیاساً
        - جوازاً
          - در جواب استفهام
        - قیاساً در باب
          - نداء
          - اختصاص
          - اغراء و تحذیر
          - اشتغال
  - افعال قلوب
    - استعمال تک مفعولی
      - گاهی افعال دو مفعولی بی نیاز از مفعول دوم شده و مثل متعدی به یک مفعول محسوب می شود
    - جواز إلغاء افعال قلوب
      - زمانی که افعال قلوب
        - بین دو مفعول واقع شود
        - بعد از دو مفعول واقع شود
      - نکته\ تعلیق یعنی ابطال عمل در لفظ و باقی ماندن عمل در محلّ
    - وجوب تعلیق افعال قلوب
      - زمانی که بین افعال قلوب و جمله بعد
        - یک کلمه صدارت طلب واقع شود مثل
          - ما و إن و لا نافیه
          - لام إبتداء
          - لام قسم
          - کم خبری
          - إستفهام
          - لعلّ
      - نکته\ تعلیق یعنی ابطال عمل در لفظ و باقی ماندن عمل در محلّ
    - جمله ای که بعد معلق واقع شود یا
      - مفعول اول نصب داده نصب داده شده
        - آن جمله جانشین معلو دوم می شود
      - هیچ کدام نصب داده نشده
        - آن جمله جانشین هر دو مفعول می شود
    - جواز ضمیر متصل بودن فاعل و مفعول که مرجعشان هم یکیست به غیر از تعلّم
  - افعال دو مفعولی که دو مفعولش مبتدا و خبر نبوده
    - تقدیم آن مفعولی که در معنا فاعل است بر مفعولی که در معنا مفعول است
      - رعایت این اصل واجب است
        - زمانی که
          - احتمال اشتباه باشد
          - مفعول در معنی محصور باشد
          - مفعول اول ضمیر و دوم اسم ظاهر باشد
      - رعایت این اصل ممتنع است
        - زمانی که
          - اگر جابجا نکنیم مانع لفظی پیش بیاید مثل
            - عود ضمیر به مفعول دوم
  - افعال سه مفعولی در
    - أعلم و أری
      - همه احکام علم و رأی نسبت به مفعول دوم و سوم این افعال جریان دارد
    - بقیه سه مفعولی ها
      - به صورت مجهولی استعمال شده اند لذا علا دو دارند